

## نظام حقوقی حاکم بر تسلیحات هسته‌ای

نویسنده: میرشهبییز شافع

### چکیده

این مقاله در دو بخش تدوین شده است؛ بخش اول درصدد است تا معاهدات منع جامع سلاحهای هسته‌ای بین قدرتهای بزرگ را به رشته تحریر درآورد در همین رابطه نیز به بررسی مسابقه تسلیحاتی از زمان پایان جنگ جهانی دوم، تا پایان جنگ سرد، بین دو قدرت هسته‌ای، ایالات متحده و فدراتیو روسیه پرداخته و معاهدات استارت ۱-۲ و ۳، سالت ۱ و ۲ تشریح کرده و در ادامه به تغییر و تحولاتی که در اجرای معاهدات با روی کار آمدن ریاست جمهوریهای گوناگون در آمریکا به وجود آمده نیز پرداخته است و در ادامه مزایای این معاهدات را برای دو طرف بررسی می‌نماید.

در قسمت دوم، به معاهداتی که بین سایر دول جهان برای کنترل و منع تولید و آزمایشات هسته‌ای منع‌گردیده پرداخته و در همین بخش به تعهداتی که کشورها در قبال عاری نگه داشتن مناطقی مثل قطب جنوب - کره ماه، کف دریاها داده‌اند پرداخته و در پایان نتیجه‌گیری نموده که نظام حاکم بر سلاحهای هسته‌ای، نظامی واحد نیست بلکه نابرابر و مبتنی بر رابطه قدرت می‌باشد. در این نظام پنج قدرت هسته‌ای، اعضای دائم شورای امنیت، می‌توانند زرادخانه داشته باشند ولی سایر دولتها از داشتن این سلاحها منع شده‌اند.



### مقدمه

از زمانی که نخستین بمبهای اتمی بر روی شهرهای هیروشیما و ناگازاکی فروریخته شدند، کاملاً مشخص گردید که «غول از چراغ جادو بیرون آمده است». از این پس، جامعه بین‌المللی با این نگرانی روبه‌رو گردید که این غول را چگونه مهار کرده و مجدداً به چراغ بازگردانند. بیش از ۵۵ سال از آن تاریخ می‌گذرد. پاره‌ای از دولتها این غول را در اختیار دارند و تاکنون - علی‌رغم امضای معاهدات گوناگون - از بازگرداندن آن به داخل چراغ خودداری کرده‌اند. دیگر دولتها نیز به معاهدات دیگری ملحق گردیده‌اند و در این بازی، بدون داشتن این غول، با نگرانی - و بعضاً با رشک بردن - به دولتهای دارای این غول می‌نگرند. در این مقاله بر آن هستیم تا با نگاهی هرچند اجمالی، معاهدات متعدد دو و چندجانبه حاکم بر تسلیحات هسته‌ای را مورد بررسی قرار دهیم.

### بخش اول : معاهدات منعقدہ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی (فدراسیون سابق)

اندک زمانی پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب آغاز گردید که قریب به چهل و پنج سال به طول انجامید. ویژگی عمده این سیستم برخورد سخت دو اتحادیه نظامی - سیاسی بود که رهبری آن را اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا برعهده داشتند. از جمله تبعات این برخورد و مقابله، مسابقه تسلیحاتی و تجمع زرادخانه عظیم هسته‌ای است که بسیار بیشتر از سطحی معقول و کافی می‌باشد و این مسابقه تسلیحاتی اساس دکترین بازدارندگی هسته‌ای را تشکیل می‌دهد. این دکترین مبتنی بر ۲ فرضیه بوده است. اول قصد طرفهای آن، بدین معنی که بازدارندگی باید با این اعتقاد همراه باشد که قصد واقعی استفاده از این تسلیحات در صورت بروز حمله توسط سایرین وجود دارد و قصد واقعی استفاده از چنین تسلیحاتی وجود دارد. دوم آنکه، بازدارندگی چیزی بیش از جمع‌آوری سلاح در انبار می‌باشد و به معنای قرار دادن این سلاحها در وضعیت آمادگی برای استفاده عملی می‌باشد.<sup>(۱)</sup> در نیمه نخست جنگ سرد، نظریه نابودی حتمی دو جانبه مک نامارا، وزیر دفاع کندی مبنای دکترین بازدارندگی ایالات متحده را تشکیل می‌داد. تغییر نگرش نسبت به بازدارندگی هسته‌ای و خطری که افزایش بیش از حد این نوع تسلیحات جهان را با آن مواجه می‌ساخت به تدریج دو ابرقدرت آن دوره را بر آن داشت تا با

انعقاد معاهدات دوجانبه‌ای، از افزایش بیش از حد این نوع تسلیحات جلوگیری نمایند؛ هرچند که در انعقاد این معاهدات نباید جنبه‌های اقتصادی موضوع و کاستن از هزینه‌های نظامی را فراموش کرد.

نخستین معاهده دوجانبه منعقد بین ایالات متحده و شوروی سابق، معاهده سالت-۱<sup>(۲)</sup> می‌باشد که مذاکرات مربوط به انعقاد آن از نوامبر ۱۹۶۹ تا مه ۱۹۷۲ به طول انجامید. هدف اصلی از انعقاد این معاهده، خاتمه دادن به رقابت تسلیحاتی در خصوص سیستمهای تدافعی هسته‌ای بود. به عبارت دیگر، هیچ یک از این دو دولت به موجب این معاهده نمی‌توانند سیستمی تدافعی در برابر حملات هسته‌ای ایجاد کنند که تمامی خاک آنها را در پوشش خود بگیرد. چرا که بیم آن می‌رفت که تکامل سیستمهای دفاعی به نوبه خود به رقابت تسلیحاتی در زمینه سیستمهای تهاجمی دامن زند. این دو دولت در کنار محدود کردن سیستمهای دفاعی خود، مذاکراتی را نیز در خصوص محدودیت سیستمهای تهاجمی انجام دادند.<sup>(۳)</sup> معاهده "محدودیت سیستمهای موشکی ضدبالستیک" و موافقت نامه موقت "انجام برخی اقدامات در خصوص محدودیت سلاحهای تهاجمی استراتژیک" که در ۲۶ مه ۱۹۷۲ بین نیکسون و برژنف به امضا رسید، به همراه موافقت نامه "انجام اقداماتی برای کاهش خطر وقوع جنگ هسته‌ای" و "انجام اقداماتی به منظور بهبود خط ارتباطی مستقیم بین آمریکا- شوروی" (امضا شده در ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۱ در واشنگتن)، مجموعاً موافقتنامه‌های سالت ۱ نامیده می‌شوند و بدین ترتیب نظریه نابودی حتمی دوجانبه را برت مک‌نامارا، جای خود را به سیاست بازدارندگی واقع‌گرایانه وزیر دفاع نیکسون، ملوین لیره داد.<sup>(۴)</sup>

بر اساس ماده ۳ معاهده محدودیت سیستمهای موشکی ضدبالستیک<sup>(۵)</sup>، دو دولت توافق نمودند که تنها در دو نقطه از سرزمین خود سیستمهای تدافعی را به کار گیرند. یکی از این سیستمها در پایتخت هر یک متمرکز می‌گردید و سیستم دوم برای دفاع از انبارها و سکوهاى پرتاب موشک بالستیک قاره‌پیما در نظر گرفته شده بود. در هر یک از این دو منطقه هر دولت تنها می‌توانست ۱۰۰ سکوی پرتاب، ۱۰۰ موشک ضدبالستیک و تعداد محدودی رادار مخصوص ردیابی موشکهای بالستیک قاره‌پیما<sup>(۶)</sup> مستقر نماید. به موجب ماده ۴، این محدودیتها شامل سیستمهای موشکی ضدبالستیک در حال آزمایش یا تکمیل که در مکانهای آزمایش کنونی قرار دارند یا در مکانهای آزمایشی که بعدها طرفین بر سر آن توافق خواهند کرد، نمی‌گردد. ماده ۵ این معاهده نیز طرفین را موظف می‌کند که از توسعه، آزمایش و یا به

کارگیری سیستمهای موشکهای ضدبالستیک مستقر در دریا، جو، ماورای جو و یا دارای سکوهای پرتاب متحرک زمینی اجتناب نمایند و از ساخت و به کارگیری سکوهای پرتابی که می‌توانند در هر زمان بیش از یک موشک ضدبالستیک پرتاب نمایند نیز خودداری ورزند.<sup>(۷)</sup> در سال ۱۹۷۴، ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی پروتکل الحاقی ۲ معاهده محدودیت سیستمهای موشکی ضدبالستیک را امضا نمودند. براساس ماده یک این پروتکل، هریک از طرفین تنها می‌تواند یکی از مناطق پیش‌بینی شده در معاهده محدودیت سیستمهای موشکی ضدبالستیک را حفظ کرده و باید اقدام به برچیدن منطقه دیگر نماید. براین اساس، شوروی سیستمهای تدافعی اطراف مسکو خود را حفظ نمود، در حالی که ایالات متحده ترجیح داد سیستمهای تدافعی ساخته شده در واکوتای شمالی را باقی گذارد. ماده ۲ این پروتکل به هریک از طرفین اجازه می‌دهد که تنها یک بار انتخاب خود را عوض نموده و منطقه تدافعی دیگری را که معاهده ۱۹۷۲ پیش‌بینی نموده بود فعال کرده و منطقه تدافعی کنونی خود را نابود نماید.<sup>(۸)</sup>

سرانجام آنکه براساس پروتکل الحاقی به موافقتنامه موقت "انجام برخی اقدامات درخصوص محدودیت سلاحهای تهاجمی استراتژیک" که مربوط به موشکهای بالستیک زیردریایی است، ایالات متحده حداکثر می‌تواند ۷۱۰ فروند از این نوع موشکها و ۴۴ زیردریایی مدرن مجهز به موشک بالستیک در اختیار داشته باشد، درحالی که شوروی حداکثر می‌تواند ۹۵۰ فروند از این نوع موشکها و ۶۲ زیردریایی مدرن مجهز به موشک بالستیک داشته باشد.<sup>(۹)</sup>

هر چند معاهده محدودیت سیستمهای موشکی ضدبالستیک به قوت خود باقی است ولی با انتخاب جرج دبلیو بوش به ریاست جمهوری ایالات متحده، این معاهده با چالش شدیدی روبه‌رو گردیده است. وی در تشریح سیاستهای دفاعی خود در جریان تبلیغات انتخاباتی خویش اعلام کرد که ایالات متحده باید در اسرع وقت موشکهای تدافعی مؤثری بسازد و این سیستم تدافعی باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها از ۵۰ ایالت این کشور دفاع کند، بلکه این سیستم تدافعی باید شامل ایالات متحده نیز گردد و به علاوه نه تنها این سیستم از نابودکننده‌های مستقر در روی زمینی استفاده خواهد کرد، بلکه شامل سیستمهای لیزری ماهواره‌ای مستقر در فضا نیز خواهد گردید.<sup>(۱۰)</sup>

طبق اظهارات سخنگوی سازمان دفاع موشکی بالستیک، پنتاگون در حال برنامه‌ریزی جهت افزودن سایت آزمایش دفاع موشکی جدیدی در آلاسکا است که این اقدام مغایر معاهده منع موشکهای ضد بالستیک می‌باشد. طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، دفاع موشکی در فاصله سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۴ آماده بهره‌برداری خواهد شد.

این برنامه آمریکا از دو جهت با معاهده ۱۹۷۲ در تعارض است. اول آنکه، هر چند طبق توافق ۱۹۷۸ واشنگتن و مسکو-که مفاد آن در سال ۱۹۹۳ افشا گردید- طرفین می‌توانند محل آزمایشی دیگری جهت آزمایش و تکمیل سلاحهای موشکی ضد بالستیک تأسیس نمایند، ولی اگر این مکان آزمایشی تبدیل به محلی عملیاتی شود مغایر معاهده ۱۹۷۲ می‌باشد، چرا که به موجب این معاهده، ایالات متحده تنها در واگوتای شمالی می‌تواند اقدام به تأسیس چنین سیستمی نماید. علاوه بر این، اگر مکان آزمایشی آلاسکا با سایر مکانهای آزمایشی پیوند یابد و همگی تبدیل به سایتهای عملیاتی شوند، دفاعی ملی ایجاد می‌گردد که مغایر موضوع و هدف معاهده ۱۹۷۲ می‌باشد.<sup>(۱۱)</sup>

پنتاگون در گزارشی که در سال ۲۰۰۰ در خصوص تکنولوژی دفاع موشکی تهیه کرده بود و سرانجام تحت فشار کنگره آمریکا در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۱ منتشر گردید، چنین نتیجه‌گیری نموده است که برنامه دفاع موشکی ملی هر سه سال، ۲۰ ماه از زمان تعیین شده عقب می‌افتد و احتمال اندکی وجود دارد که بدون تجدیدنظر در ساختار این برنامه، بتوان به زمان‌بندی تعیین شده در سال ۲۰۰۵ جهت راه‌اندازی سیستم عملیاتی دست یافت.<sup>(۱۲)</sup>

هر چند مقامات عالی‌رتبه آمریکایی تلاش خود را جهت وصول حصول توافق با روسیه جهت بازنگری در این معاهده اعلام کرده‌اند، ولی در عین حال برای نکته نیز تأکید کرده‌اند که در صورت تداوم مخالفت روسیه با طرح آمریکا، این کشور از معاهده ۱۹۷۲ خارج خواهد شد، چرا که به موجب ماده ۵ این معاهده، هریک از طرفین حق دارد در صورتی که حوادث غیرمترقبه منافع حیاتی و عالی دولت را به خطر اندازد، با اطلاع قبلی و گذشت ۶ ماه از این اطلاع، از معاهده خارج شود.

پس از انعقاد موافقتنامه‌های سالت ۱، طرفین مذاکرات مربوط به سالت ۲ را آغاز نمودند. پس از چندین دور مذاکرات پیچیده، سرانجام در ۱۸ ژوئن ۱۹۷۹ معاهده "محدودیت سلاحهای تهاجمی استراتژیک" به همراه پروتکل الحاقی، یادداشت تفاهم، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های مربوط به امضای کارتر و برژنف رسید.<sup>(۱۳)</sup>

مهمترین ماده معاهده سالت ۲، ماده ۳ آن می‌باشد. به موجب بند ۱ این ماده، هریک از طرفین متعهد می‌شود که پرتاب‌کننده‌های موشکهای بالستیک قاره‌پیما، پرتاب‌کننده‌های موشکهای بالستیک زیردریایی<sup>(۱۴)</sup>، بمب‌افکنهای پیشرفته و موشکهای بالستیک زمین به هوای خود را حداکثر و در مجموع به ۲۴۰۰ عدد محدود کند و به علاوه بر اساس بند ۲ این ماده، از ۱ ژانویه ۱۹۸۱ این تعداد باید به ۲۲۵۰ عدد کاهش یابد. بر اساس ماده ۱۹ این معاهده، قرار بر این بود که معاهده سالت ۲ در روز مبادله اسناد تصویب توسط دو طرف لازم‌الاجرا شود و تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا باقی بماند، مگر آنکه زودتر از این موعد به موجب موافقتنامه دیگری که سلاحهای تهاجمی استراتژیک را محدود نماید، جایگزین شود.<sup>(۱۵)</sup>

ولی معاهده سالت ۲ هیچ‌گاه توسط ایالات متحده تصویب نشد. کارتر با علم به اینکه دو سوم لازم در مجلس سنا برای تصویب معاهده به دست نمی‌آید، معاهده را موقتاً از سنا پس گرفت. با پیروزی ریگان در انتخابات ریاست جمهوری وی اعلام کرد معاهده را به سنا نخواهد فرستاد ولی تا زمانی که شوروی مفاد آن را محترم بدارد، ایالات متحده نیز این پیمان را محترم خواهد شمرد. در اواخر نوامبر ۱۹۸۶ بر اساس اظهار نظر مشاورین تسلیحاتی مبنی بر اینکه ترتیبات سالت ۲ دیگر با منافع ایالات متحده همسو نیست، ریگان به طور یک جانبه به تفاهم آمریکا - شوروی در خصوص رعایت مفاد معاهده سالت ۲ خاتمه داد.<sup>(۱۶)</sup>

پیمان بعدی منعقد بین ایالات متحده، معاهده امحای موشکهای میان‌برد و برد کوتاه می‌باشد که در ملاقات سران دو دولت در ۸ دسامبر ۱۹۸۷ به امضا رسید.

به موجب ماده ۱ این معاهده، دو طرف متعهدند کلیه موشکهای میان‌برد و برد کوتاه خود را نابود نمایند. بر اساس ماده ۲، موشک برد کوتاه به موشکی اطلاق می‌شود که برد آن بیش از ۵۰۰ کیلومتر و کمتر از ۱۰۰۰ کیلومتر می‌باشد. موشک میان‌برد نیز بردی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر و کمتر از ۵۵۰۰ کیلومتر دارد. این دو دولت متعهد شده‌اند کلیه قسمتهای این نوع موشکها به جز کلاهکهای هسته‌ای و سیستم کنترل آنها را نابود کرده، از تولید این گونه موشکها - حتی برای دول ثالث - خودداری نمایند. موشکهای میان‌برد می‌بایست ظرف ۳ سال و موشکهای برد کوتاه ظرف ۱۸ ماه از هنگام لازم‌الاجرا شدن معاهده نابود می‌شدند.<sup>(۱۷)</sup> بر اساس این معاهده، در مجموع ۸۶۷ موشک ایالات متحده و ۱۸۳۶ موشک شوروی نابود

گردید. این معاهده تنها موشک‌های زمینی را دربرمی‌گیرد و موشک‌های هوایی و دریایی از شمول آن مستثنی می‌باشند. برای نظارت بر حسن اجرای این معاهده نیز سیستم‌های نظارت ماهواره‌ای، ملی و بازرسی محلی پیش‌بینی گردید.

ولی مهمترین گام در کاهش سلاح‌های هسته‌ای، انعقاد معاهده استارت ۱ می‌باشد. که مربوط به کاهش و محدودیت تسلیحات تهاجمی استراتژیک می‌باشد که در ۳۱ ژوئیه در مسکو بین جورج بوش و میخائیل گورباچف منعقد گردید. براساس ماده یک این معاهده، طرفین متعهد می‌گردند که تسلیحات هسته‌ای خود را براساس مواد معاهده، ضمیمه، پروتکلها و یادداشت تفاهم کاهش داده و محدود نمایند. به موجب ماده دو معاهده، هریک از طرفین معاهده باید تعداد پرتاب‌کننده‌های تسلیحات بالستیک خود را (شامل پرتاب‌کننده‌های موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، پرتاب‌کننده‌های موشک‌های بالستیک زیردریایی و بمب‌افکن‌های پرقدرت) در مجموع تا ۱۶۰۰ دستگاه کاهش دهند و از این تعداد تنها ۱۵۴ دستگاه می‌تواند موشک بالستیک قاره‌پیما پیشرفته باشد. این پرتاب‌کننده‌ها در مجموع و حداکثر می‌توانند ۶۰۰۰ کلاهک هسته‌ای داشته باشند و از این تعداد، تنها ۴۹۰۰ عدد می‌تواند به موشک‌های بالستیک اختصاص یابد و از بین این ۴۹۰۰ کلاهک نیز حداکثر ۱۱۰۰ کلاهک را می‌توان بر روی موشک‌های بالستیک قاره‌پیما دارای پرتاب‌کننده‌های متحرک نصب نمود. هریک از طرفین معاهده باید ظرف ۷ سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن معاهده، تسلیحات خود را تا میزانهای تعیین شده کاهش دهد. براساس ماده ۴، هریک از طرفین حداکثر می‌تواند ۲۵۰ موشک بالستیک قاره‌پیما را که قابل نصب بر روی پرتاب‌کننده‌های متحرک می‌باشد، به صورت غیر آماده برای رزم و ۱۲۵ پرتاب‌کننده متحرک موشک‌های بالستیک قاره‌پیما غیر آماده برای رزم داشته باشد. ماده ۵ معاهده نیز تولید، آزمایش و آماده رزم نمودن انواع جدید موشک‌های بالستیک قاره‌پیما پیشرفته و پرتاب‌کننده‌های آن و انواع جدید موشک‌های بالستیک زیردریایی و پرتاب‌کننده‌های آن ممنوع اعلام شده است و این ممنوعیت شامل موشک‌های بالستیک قاره‌پیما یا موشک‌های بالستیک زیردریایی با بیش از ۱۰ کلاهک هسته‌ای یا بیشتر از تعداد کلاهکی که مدل‌های کنونی گنجایش آن را دارند، ممنوع می‌باشد.<sup>(۱۸)</sup>

مواد ۷ تا ۱۵ معاهده نیز به سیستم نظارت بر اجرای معاهده اختصاص یافته است که دو نوع نظارت را دربرمی‌گیرد: نظارت از طریق ماهواره و بازرسی محلی. براساس مواد ۱۹-۱۷،

معاهده استارت برای ۱۵ سال معتبر می‌باشد و می‌توان برای هر ۵ سال دیگر نیز آن را تمدید نمود. اگر یکی از دولتهای عضو به این نتیجه برسد که ادامه عضویت در معاهده منافع عالی آن دولت را به خطر می‌اندازد، می‌تواند با گذشت ۶ ماه از صدور اعلامیه‌ای مبنی بر خروج، از معاهده خارج شود.<sup>(۱۹)</sup>

هرچند این معاهده تنها منجر به کاهش ۲۵-۲۰ درصد کلاهکهای هسته‌ای استراتژیک ایالات متحده و ۳۵-۳۰ درصد کلاهکهای هسته‌ای استراتژیک شوروی می‌گردد، ولی پس از امضای آن، انتقادات شدیدی در محافل روسی از این معاهده به عمل آمد. مهمترین این انتقادات عبارتند از:

۱- قواعد شمارش سلاحهای هسته‌ای بر اساس بمب‌افکنهای قدرتمند، باعث شمارش تعداد واقعی سلاحها نمی‌گردد. برای مثال، بمب‌افکنهای ب.ا.ب آمریکایی قادر به حمل ۳۲ بمب می‌باشند ولی استارت ۱ تنها برای هر بمب‌افکن یک سلاح را در نظر می‌گیرد. در ۱ سپتامبر ۱۹۹۰، استارت ۱ تعداد ۲۱۱۲ سلاح هسته‌ای را برای ۳۳۳ بمب‌افکن قدرتمند از انواع گوناگون در نظر گرفته بود، هرچند که در واقعیت این بمب‌افکنها قادر به حمل ۷۲۶۰ بمب بودند.

۲- محدودیتهای ملایمی نسبت به موشکهای بالستیک قابل پرتاب از دریا که ایالات متحده در آن از مزیت برخوردار می‌باشد پیش‌بینی گردیده‌است، درحالی که نسبت به موشکهای بالستیک قاره‌پیماکه روسیه از مزیت بیشتری برخوردار می‌باشد محدودیتهای شدیدتری می‌باشد.

۳- براساس اصول ایالات متحده، استارت ۱ مشتمل بر کاهش موشکهای کروز دوربرد قابل پرتاب از دریا نمی‌گردد. تنها اظهاراتی سیاسی از سوی دو دولت ابراز گردیده که به موجب آن طرفین معاهده حداکثر ۸۸۰ عدد از این موشکها را در ظرف زمانی معاهده استارت ۱ تولید خواهند کرد، ولی این تعداد در مجموع کلاهکها و موشکهای استراتژیک محاسبه نگردیده است.

۴- اجرای معاهده مستلزم استفاده از منابع فیزیکی و مالی بیشتری از سوی روسیه می‌باشد. زیرا که روسیه با تعهدات سنگین‌تری در نابودسازی تسلیحات روبه‌رو می‌باشد.<sup>(۲۰)</sup> فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ معاهده استارت ۱ را با مشکلاتی مواجه نمود. در نتیجه این فروپاشی، چهار دولت دارای سلاح هسته‌ای به وجود آمد: روسیه، روسیه



سفید، اوکراین و قزاقستان. بر اساس توافق ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ در خصوص تسلیحات هسته‌ای و کنترل آنها که بین چهار دولت به امضا رسید، روسیه فدراتیو کنترل تسلیحات هسته‌ای را در دست می‌گرفت. به دنبال انجام مذاکرات بین این چهار دولت و ایالات متحده، سرانجام اجلاسی در ۲۳ مه ۱۹۹۲ در لیسبون برگزار شد و طی آن پنج دولت ایالات متحده آمریکا، روسیه، روسیه سفید، قزاقستان و اوکراین پروتکل الحاقی به معاهده استارت (موسوم به پروتکل لیسبون) را امضا نمودند. بر اساس ماده ۱ این پروتکل جمهوریهای روسیه سفید، قزاقستان، فدراسیون روسیه و اوکراین در خصوص معاهده استارت جانشین شوروی محسوب می‌شوند و تعهدات آن دولت را در زمینه معاهده استارت برعهده می‌گیرند. ماده ۵ این پروتکل نیز سه دولت روسیه سفید، قزاقستان و اوکراین را موظف می‌کند که به عنوان دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای در اسرع وقت ملحق شوند. سرانجام، در ۵ دسامبر ۱۹۹۴ با مبادله اسناد تصویب معاهده توسط ۵ رهبر دولتهای عضو پروتکل لیسبون در بوداپست، معاهده استارت ۱ لازم الاجرا گردید.<sup>(۲۱)</sup>

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و خاتمه جنگ سرد این فرصت را فراهم ساخت تا گام دیگری در جهت کاسته شدن از زرادخانه هسته‌ای برداشته شود. در ۲۸ ژانویه ۱۹۹۲، در حالی که تنها ۶ ماه از انعقاد معاهده استارت ۱ و کمتر از یکماه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گذشته بود، جورج بوش در یکی از سخنرانیهای خود پیشنهاد نمود که معاهده دیگری در زمینه کاهش تسلیحات هسته‌ای منعقد شود. این پیمان که به معاهده استارت ۲ موسوم می‌باشد، در ۳ ژانویه ۱۹۹۳ بین دو دولت ایالات متحده آمریکا و روسیه فدراتیو منعقد گردید و بدین ترتیب بزرگترین معاهده کاهش تسلیحات هسته‌ای در طول تاریخ منعقد گردید.

ماده یک این معاهده به کاهش کلاهکهای هسته‌ای دو دولت طی دو مرحله می‌پردازد. بر اساس بند ۱ این ماده که مرحله اول را دربرمی‌گیرد، هریک از طرفین باید حداکثر تا ۷ سال بعد از لازم‌الاجرا گردیدن معاهده استارت ۱، مجموع کلاهکهای موشکهای بالستیک قاره‌پیما، کلاهکهای موشکهای بالستیک زیردریایی و تسلیحات بمب افکنهای پر قدرت آماده رزم خود را به ۳۸۰۰ تا ۴۲۵۰ عدد کاهش دهند. در مرحله دوم که از خاتمه مرحله اول تا اول ژانویه ۲۰۰۳ به طول خواهد انجامید<sup>(۲۲)</sup>، این تعداد باید به ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ عدد کاهش یابد و از این تعداد تنها بین ۱۷۰۰ تا ۱۷۵۰ عدد می‌تواند کلاهک موشکهای بالستیک زیردریایی آماده رزم باشد.<sup>(۲۳)</sup> بدین ترتیب بر اساس این معاهده، میزان کلاهکهای هسته‌ای استراتژیک

آماده رزم ایالات متحده بیش از ۷۰٪ نسبت به میزان سپتامبر ۱۹۹۰ و ۶۰٪ نسبت به تعداد پیش‌بینی شده براساس معاهده استارت ۱ کاهش می‌یابد. میزان نیروهای استراتژیک روسیه نیز تقریباً ۷۰٪ نسبت به سطح این نیروها در سپتامبر ۱۹۹۰ و ۵۰٪ نسبت به میزان پیش‌بینی شده در استارت ۱ کاهش می‌یابد.<sup>(۲۴)</sup> این دو دولت همچنین باید کلیه موشکهای بالستیک قاره‌پیمای خودراکه دارای کلاهکهای قابل تنظیم برای هدف‌گیری اهداف مستقل و جداگانه هستند، از بین ببرند. براساس توافق بین دو دولت، روسیه می‌تواند ۱۰۵ موشک SS-19 از مجموع ۱۷۰ موشک موجود خود را حفظ کند، مشروط بر اینکه ۵ کلاهک هسته‌ای از مجموع ۶ کلاهک هسته‌ای هر موشک را خارج نماید. به علاوه هر دولت موظف است در بمب‌افکنهای پر قدرتی که از این پس حامل سلاحهای متعارف خواهند بود، تغییرات قابل مشاهده‌ای ایجاد نماید که قابل باز شناختن از همین مدل هواپیماها شوند که حامل سلاحهای هسته‌ای می‌باشند.<sup>(۲۵)</sup>

معاهده استارت ۲ در ۲۶ ژانویه ۱۹۹۶ با ۸۷ رأی موافق در برابر ۴ رأی مخالف به تصویب سنای آمریکا رسید. برخلاف استقبالی که آمریکاییها از این معاهده به عمل آوردند، این معاهده در داخل روسیه مورد انتقاد شدید واقع شد. به عقیده مخالفان، روسیه باید به موجب این معاهده موشکهای بالستیک قاره‌پیمای دارای کلاهکهای قابل تنظیم برای هدف‌گیری اهداف مستقل و جداگانه‌راکه ستون سیستم استراتژیک هسته‌ای روسیه محسوب می‌شود را به طور کامل از میان ببرد، در حالی که مهمترین ابزار استراتژیک آمریکا یعنی موشکهای بالستیک زیردریایی کاملاً از بین نمی‌رود. دسته دیگر از مخالفان نیز با اشاره به مخارج سرسام‌آور نابودی وسایل پیش‌بینی شده و بازسازی سیستم استراتژیک براساس معاهده استارت ۲، معتقدند که با توجه به شرایط اقتصادی فعلی روسیه، امکان اجرای معاهده وجود ندارد.

### بخش دوم: معاهدات چندجانبه در خصوص سلاحهای هسته‌ای

نظام حاکم بر معاهدات چندجانبه مرتبط با سلاحهای هسته‌ای، از منطقی کاملاً متفاوت با نظام حاکم بر معاهدات دوجانبه پیروی کرده است. در حالی که در نظام دوجانبه هدف کاهش زرادخانه هسته‌ای است، ولی در معاهدات چندجانبه که اینکه به آن می‌پردازیم، هدف عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای به صورت افقی می‌باشد.

نخستین معاهده چندجانبه‌ای که در این زمینه منعقد گردید، معاهده ممنوعیت آزمایشات هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر دریا (که معاهده منع جزیی آزمایشات هسته‌ای نیز نامیده می‌شود)<sup>(۲۶)</sup> است که در ۵ اوت ۱۹۶۳ به وسیله وزرای خارجه ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و شوروی پیشین به امضا رسید و از ۱۰ اکتبر همین سال لازم‌الاجرا گردید.

بر اساس ماده ۱ این معاهده، دول عضو متعهد می‌شوند از انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر دریا خودداری نمایند. همچنین اگر انفجاری زیرزمینی منجر به نشت مواد رادیواکتیویته به خارج از محدود سرزمینی دولتی شود که در سرزمین تحت صلاحیت یا کنترلش آزمایش هسته‌ای صورت گرفته، این آزمایش نیز ممنوع می‌باشد. ماده ۴ معاهده نیز اعلام می‌دارد که در صورت به وقوع پیوستن پیشامد غیرمنتظره‌ای که منافع عالی دولت عضوی را به خطر اندازد، این دولت می‌تواند با صدور اعلامیه‌ای و گذشت ۳ ماه از صدور آن، از معاهده خارج شود.<sup>(۲۷)</sup>

همان‌گونه که از عنوان این معاهده مشخص می‌گردد، ممنوعیت آزمایشات هسته‌ای پیش‌بینی شده در این معاهده تنها شامل جو، ماورای جو و زیر دریا می‌گردد و انجام آزمایشات هسته‌ای زیرزمینی بر اساس این معاهده ممنوع نمی‌باشد. هر چند دولتهای تنظیم کننده معاهده در مقدمه آن اظهار داشتند که خواهند کوشید تا تمامی آزمایشات هسته‌ای را خاتمه دهند، ولی انعقاد معاهده‌ای در این زمینه سالها به طول انجامید، که علت عمده آن ادامه جنگ سرد و تمایل قدرتهای هسته‌ای در مدرنیزه نمودن زرادخانه‌های هسته‌ای خود بود. خاتمه جنگ سرد این فرصت را فراهم ساخت تا معاهده‌ای در زمینه انجام آزمایشات هسته‌ای در تمامی مناطق منعقد گردد. در سال ۱۹۹۲ کنگره آمریکا قانونی را تصویب نمود که به موجب آن از ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۶ انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای زیرزمینی توسط ایالات متحده پایان می‌یابد، مگر اینکه پس از این تاریخ دولتی خارجی اقدام به انجام چنین آزمایشاتی نماید. به علاوه این قانون انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای زیرزمینی را از تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۹۲ به حالت تعلیق درآورد.<sup>(۲۸)</sup> در سال ۱۹۹۲ روسیه نیز تعهد یک جانبه اعلام شده توسط میخائیل گورباچف، آخرین رئیس جمهوری شوروی مبنی بر عدم انجام آزمایشات هسته‌ای را تمدید نمود و یلتسین پشتیبانی خود را از انعقاد معاهده ممنوعیت جامع آزمایشات هسته‌ای اعلام کرد.<sup>(۲۹)</sup> این تحولات، به همراه اعتراضهای جهانی در خصوص

تصمیم فرانسه به از سرگیری آزمایشات هسته‌ای خود در سال ۱۹۹۵، زمینه را بیش از پیش برای انعقاد معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای آماده نمود. سرانجام مجمع عمومی ملل متحد در ۲۶ اوت ۱۹۹۶ با تصویب قطعنامه ۵۰/۱۰۲۷ معاهده جامع آزمایشات هسته‌ای<sup>(۳۰)</sup> را به تصویب رساند.

بر اساس ماده ۱ این معاهده، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند از انجام هرگونه آزمایشات هسته‌ای (مسالمت‌آمیز و غیرمسالمت‌آمیز) خودداری نمایند و از انجام گرفتن چنین آزمایشاتی در سرزمین خود ممانعت به عمل آورند. به علاوه، به موجب این ماده اعضای معاهده متعهد می‌شوند از تشویق سایر دولت‌ها به انجام چنین آزمایشاتی و یا شرکت در آزمایشات هسته‌ای سایر دولت‌ها خودداری نمایند.<sup>(۳۱)</sup> بر اساس ماده ۲ این معاهده، دول عضو به منظور نیل به اهداف معاهده و تضمین اجرای مفاد آن، "سازمان معاهده ممنوعیت جامع آزمایشات هسته‌ای" را به وجود می‌آورند که مقر آن در شهر وین می‌باشد.<sup>(۳۲)</sup> به علاوه، این معاهده سیستم نظارتی جامع و گسترده‌ای را پیش‌بینی نموده است (ماده ۴).<sup>(۳۳)</sup>

هرچند دو معاهده پیش‌گفته اقدام به ممنوعیت انجام آزمایشات هسته‌ای نموده است، ولی در زمینه ساخت سلاح هسته‌ای و مشروعیت این اقدام ساکت می‌باشند. با این وجود، کوشش در جهت جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از نخستین روزهای ساخت سلاح هسته‌ای آغاز شد. در سال ۱۹۴۶ ایالات متحده آمریکا طرح باروخ را ارائه نمود که به موجب آن، به منظور جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای، تمامی منابع هسته‌ای دنیا تحت مالکیت و کنترل بین‌المللی قرار می‌گرفت ولی شروع جنگ سرد این برنامه را با شکست مواجه ساخت و بتدریج نیز بر تعداد دولت‌های دارای سلاح اتمی افزوده شد. در سال ۱۹۴۹ اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۵۲ بریتانیا، در سال ۱۹۶۰ فرانسه و سرانجام در سال ۱۹۶۴ جمهوری خلق چین به سلاح هسته‌ای دست یافتند.<sup>(۳۴)</sup> دولت‌های هند، پاکستان و اسرائیل نیز به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند.

در طول سال‌های متمادی، پیشنهادات گوناگونی به عمل آمد تا معاهده‌ای در زمینه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به تصویب رسد و سرانجام این فعالیتها در ۱۲ ژوئن ۱۹۶۸ به نتیجه رسید و در این تاریخ مجمع عمومی با ۹۵ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تصویب نمود.<sup>(۳۵)</sup>

بر اساس ماده ۱ این معاهده، دولتهای دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند به هیچ دولت فاقد سلاح هسته‌ای این‌گونه سلاحها یا ابزارهای انفجاری هسته‌ای را منتقل نکنند و به هیچ وجه به این دولتها در ساخت یا کنترل سلاحهای هسته‌ای کمک نکنند. به موجب ماده ۲ این معاهده دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند هیچ نوع سلاح هسته‌ای را تحصیل یا کنترل نمایند و از ساخت یا دریافت کمک برای ساخت این سلاحها اجتناب نمایند. ماده ۳ معاهده نیز دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای را ملزم نموده که با انعقاد قراردادی با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، به این آژانس اجازه دهند تا بر فعالیتهای هسته‌ای مسالمت‌آمیز آنان نظارت نموده و اطمینان حاصل نماید که این دولتها از انرژی هسته‌ای در زمینه‌های غیرمسالمت‌آمیز استفاده نمی‌کنند.<sup>(۳۶)</sup>

بدین ترتیب، بر اساس این معاهده دولتهای فاقد سلاح هسته‌ای امتیاز بزرگی را به دولتهای دارای این‌گونه سلاحها اعطا کردند و آن، تعهد بر عدم تولید و تحصیل سلاح هسته‌ای می‌باشد. از سوی دیگر، به موجب بند ۳ ماده ۹ این معاهده، دولتهایی که تا پیش از ۱ ژانویه ۱۹۶۷ سلاحی هسته‌ای و یا وسیله انفجاری هسته‌ای تولید و منفجر کرده باشند، دولت دارای سلاح هسته‌ای تلقی شده و حفظ سلاح هسته‌ای توسط این دولتها مشروع تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، تنها ۵ عضو دائم شورای امنیت از نظر حقوق دارندگان سلاح هسته‌ای محسوب می‌گردند.

این معاهده برای مدت ۲۵ سال معتبر می‌بود و وفق بند ۲ ماده ۱۰ آن مقرر شده بود که ۲۵ سال بعد از لازم‌الاجرا شدن معاهده، کنفرانسی در خصوص آینده معاهده و تمدید یا خاتمه آن تشکیل شود. این کنفرانس از ۱۷ آوریل ۱۹۹۵ با شرکت ۱۷۵ دولت عضو معاهده آغاز به کار کرد<sup>(۳۷)</sup> و در ۱۲ مه ۱۹۹۵ با صدور ۳ تصمیم و قطعنامه‌ای در خصوص خاورمیانه، به کار خود پایان داد. به موجب تصمیم شماره ۳ این کنفرانس، معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای برای مدت نامحدود تمدید گردید.<sup>(۳۸)</sup> از جمله مسائلی که با تشکیل این کنفرانس مرتبط می‌باشد، صدور اعلامیه‌های جداگانه ۵ قدرت هسته‌ای در روزهای ۵ و ۶ آوریل ۱۹۹۵ - چند روز قبل از شروع این کنفرانس - حاوی تضمینات منفی، قدرتهای دارای سلاح هسته‌ای متعهدند که از این سلاحها علیه دول فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاح هسته‌ای استفاده نکنند. ولی به جز دولت چین، ۴ دولت هسته‌ای دیگر استثنایی بر این تعهد وارد کردند. بر اساس این استثنا در صورتی که یک دولت فاقد سلاح

هسته‌ای با همکاری یا اتحاد یکی از قدرتهای هسته‌ای دست به تجاوز یا هرگونه حمله دیگر علیه یکی از این چهار دولت، نیروهای مسلح آن، متحدین این دولت یا علیه دولتی که این ۴ قدرت نسبت به آن تعهدات امنیتی دارند، بزند، این قدرتهای هسته‌ای می‌توانند علیه چنین دولت فاقد سلاح هسته‌ای متوسل به سلاح هسته‌ای شوند. شورای امنیت در ۱۱ آوریل ۱۹۹۵ با صدور قطعنامه ۹۸۴، از صدور اعلامیه‌ها توسط ۵ قدرت هسته‌ای استقبال نمود.<sup>(۳۹)</sup> در واقع، مهمترین دستاورد معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای ایجاد این باور و اعتقاد در دولتهاست که افزایش تعداد دول دارای سلاح هسته‌ای می‌تواند خطر وقوع یک جنگ هسته‌ای را تشدید نماید. عضویت چین در ۹ مارس ۱۹۹۲ و فرانسه در ۳ اوت همین سال در این معاهده و تمدید نامحدود معاهده در سال ۱۹۹۵ بیش از پیش بر اهمیت و اعتبار این معاهده افزوده است. باین حال آنچه که در معاهده منع گردیده، تحصیل و کنترل سلاحهای هسته‌ای توسط دولتهای فاقد این سلاحها است و نه استقرار این تسلیحات در خاک چنین دولتهایی، مشروط بر اینکه کنترل تسلیحات هسته‌ای همچنان در دست یکی از قدرتهای هسته‌ای باقی بماند (همانند استقرار موشکهای هسته‌ای ایالات متحده در خاک آلمان). از این روی، دولتها کوشیده‌اند با انعقاد معاهداتی، استقرار سلاحهای هسته‌ای را در قسمتهای مختلف کره زمین و حتی سایر کرات ممنوع نمایند که این دسته از معاهدات، در حقیقت ایجاد کننده مناطق عاری از سلاح هسته‌ای می‌باشند.

نخستین معاهده از این نوع معاهدات، معاهده قطب جنوب می‌باشد که در ۱ دسامبر ۱۹۵۹ در واشنگتن به امضا رسید. براساس ماده ۱ این معاهده، قطب جنوب تنها مورد استفاده مسالمت‌آمیز قرار خواهد گرفت و انجام هرگونه اقدام نظامی مانند تأسیس پایگاههای نظامی، انجام مانورهای نظامی و آزمایش هرگونه سلاح نیز ممنوع است. به موجب ماده ۵ این معاهده نیز انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای و دفن زباله‌های رادیواکتیو در این منطقه ممنوع است. بنابراین نه تنها استقرار سلاحهای هسته‌ای، بلکه استقرار هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی در این قسمت از کره خاکی ممنوع می‌باشد.<sup>(۴۰)</sup>

پس از قطب جنوب، نوبت به فضای ماورای جو رسید. در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۶، مجمع عمومی با صدور قطعنامه ۲۲۲۲، معاهده اصول حاکم بر فعالیت دولتها در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی را به اتفاق آرا به تصویب رساند.<sup>(۴۱)</sup> مهمترین ماده این معاهده، ماده ۴ آن می‌باشد. براساس این ماده، دولتهای عضو متعهد

شده‌اند از قرارداد هرگونه وسیله حامل سلاحهای هسته‌ای یا هر نوع سلاح کشتار جمعی دیگر در مدار کره زمین، نصب این سلاحها بر اجرام آسمانی و استقرار آنها در فضای ماورای جو به هر شکل خودداری نمایند. همچنین ایجاد پایگاههای نظامی، آزمایش هرگونه اسلحه و انجام مانورهای نظامی در این مناطق ممنوع است.<sup>(۴۲)</sup> در ۵ دسامبر ۱۹۷۹ نیز مجمع عمومی ملل متحد معاهده دیگری را در این زمینه تحت عنوان "موافقتنامه حاکم بر فعالیت دولتها در ماه و سایر اجرام آسمانی" به تصویب رساند. به موجب این معاهده، کره ماه تنها باید مورد استفاده مسالمت‌آمیز قرار گیرد و دولتهای عضو معاهده متعهد می‌شوند از ایجاد پایگاههای نظامی، آزمایش هرگونه سلاح، انجام مانورهای نظامی و قرارداد سلاحهای هسته‌ای یا سایر سلاحهای تخریب و کشتار جمعی در ماه خودداری نمایند.

سومین منطقه‌ای که مشمول ممنوعیت استقرار سلاحهای هسته‌ای گردید، بستر دریا، کف و زیراقیانوس می‌باشد که معاهده مربوط به این ممنوعیت در ۱۱ فوریه ۱۹۷۱ به امضا رسید. بر اساس ماده ۱ این معاهده، دول عضو متعهد می‌شوند از استقرار سلاحهای هسته‌ای و یا هرگونه سلاح کشتار جمعی دیگر در بستر دریا، کف و زیراقیانوسها خودداری نموده، همچنین از ساختن تأسیسات، ابزارهای پرتاب یا سایر وسایلی که منحصراً برای انباشت، آزمایش یا استفاده از این سلاحها مورد استفاده قرار می‌گیرند، اجتناب نمایند. به موجب ماده ۲ این معاهده، ممنوعیتهای یادشده تنها در خصوص مناطق واقع در ماورای ۱۲ مایلی از خط مبدأ قابل اعمال می‌باشد.<sup>(۴۳)</sup> بدین ترتیب بر اساس این معاهده، دولتها از استقرار سلاحهای هسته‌ای در بستر دریا در منطقه واقع بین خط مبدأ و ۱۲ مایلی از این خط منع نشده‌اند. به علاوه، ممنوعیتهای مصرح تنها در خصوص استقرار سلاحهای هسته‌ای و ایجاد تأسیسات ثابت می‌باشد و به حمل این گونه سلاحها توسط زیردریایی تسری نمی‌یابد.

سرانجام، به معاهداتی می‌رسیم که بخشهای مسکونی از کره زمین را منطقه عاری از سلاح هسته‌ای اعلام نموده‌اند، که در حال حاضر به چهار معاهده در این خصوص وجود دارد: معاهده ممنوعیت استقرار سلاحهایی در آمریکای لاتین (موسوم به معاهده تلاتولکو) که در ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ امضا گردید، معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام (موسوم به معاهده راروتونگا) که در ۶ اوت ۱۹۸۵ امضا گردید، معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در قاره آفریقا (موسوم به معاهده پلیندا) امضا شده در ژوئن ۱۹۹۵ و در نهایت، معاهده مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای در

جنوب شرقی آسیا (معاهده بانکوک) که در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۵ به امضا رسید. به موجب تمامی این معاهدات، دولت‌های عضو متعهد می‌شوند از تولید یا استقرار تسلیحات هسته‌ای در سرزمین خود، خودداری نمایند. این معاهدات دارای پروتکل‌هایی نیز می‌باشند که به موجب آن قدرتهای هسته‌ای متعهد می‌شوند وضعیت این سرزمین‌ها را محترم شمارند. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، هیچ‌یک از معاهدات پیش‌گفته، استقرار سلاح هسته‌ای در سرتاسر کره خاکی را ممنوع نمی‌دارند.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که از این بررسی مختصر مشخص گردید، نظام حاکم بر سلاح‌های هسته‌ای، نظامی واحد نیست، بلکه نظامی نابرابر و مبتنی بر رابطه قدرت می‌باشد. در این نظام، پنج قدرت هسته‌ای - که در عین حال اعضای دائم شورای امنیت و دارنده حق وتو نیز می‌باشند - می‌توانند زرادخانه سلاح هسته‌ای داشته باشند، ولی سایر دولت‌ها از داشتن این سلاح‌ها ممنوع می‌باشند. نکته دیگر آنکه، همان‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی سال ۱۹۹۶ اعلام می‌دارد، مجموع معاهدات منعقد در خصوص سلاح هسته‌ای نمی‌تواند موجد عرفی در خصوص ممنوعیت استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای تلقی گردد. از سوی دیگر، مشروعیت در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای توسط قدرتهای هسته‌ای باعث می‌گردد که بخش مهمی از استراتژی تدافعی این دولت‌ها، بر سلاح هسته‌ای مبتنی باشد. این امر بویژه با تغییرات ناشی از گسترش ناتو به سمت شرق اهمیت بیشتری می‌یابد. گسترش این اتحادیه به سوی مرزهای روسیه تلاشی مستقیم از سوی ایالات متحده و سایر دولت‌های غربی جهت سودجستن از ضعف کنونی روسیه و در جهت تقویت موضع ژئواستراتژی ناتو تلقی می‌گردد. به ویژه با توجه به برتری ۳ برابر سلاح‌های متعارف ناتو در مقایسه با نیروهای متعارف روسیه، ملحق شدن کشورهای اروپای شرقی به ناتو این برتری را افزایش خواهد داد. از سوی دیگر، تغییرات سیاسی و اقتصادی بنیادین در روسیه فدراتیو، نیروهای مسلح روسیه را با مشکلات متعددی مواجه کرده‌است. در چنین شرایطی، سلاح‌های هسته‌ای اهمیت بسیاری در دفاع این کشور یافته‌است و این در حالی است که در سیاست نظامی ایالات متحده نیز سلاح‌های هسته‌ای از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشند.

در جریان جنگ سرد، ثبات استراتژی مبتنی بر توازن قوا بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده بود و بازدارندگی هسته‌ای عنصر اساسی امنیت محسوب می‌شد. امروزه نیز



علی‌رغم کاهش سلاحهای استراتژیک روسیه و ایالات متحده، بازدارندگی هسته‌ای مبنای سیاستهای هسته‌ای آنها محسوب می‌گردد و تا زمانی که این وضعیت تداوم داشته باشد، همچنان شاهد نظام نابرابر در زمینه سلاح هسته‌ای خواهیم بود.

## یادداشتها:

- 1- Cranoff, Jonathan; "Nuclear Weapons, Ethics, Morals & Law", Downloaded from :  
<http://www.waginpeace.org>.
- 2- SALT 1 (Strategic Arms Limitation Talks)  
مقصود از تسلیحات استراتژیک، سلاحهای هسته‌ای دوربرد است که هدف از آنها، حمله به مناطق  
مهم دشمن یا دفاع در برابر چنین حمله‌ای است.
- 3- "Arms Control and Disarmament Agreements", U.S. Arms Control and Disarmament  
Agency , 1975, p.125.
- 4- Singh, N. and McWhinney, E., "Nuclear Weapons and Contemporary International  
Law", Martinus Nijhoff Publishers, 1988, p.261.
- 5- ABM (Anti-Ballistic Missiles)
- 6- ICBM (Inter Continental Ballistic Missiles)
- 7- Treaty Between the U.S.A and the U.S.S.R on the Limitation of Anti-Ballistic Missile  
System, 1972, Downloaded From : <http://www.nuclearfiles.org>.
- 8- Arms Control and Disarmament Agreements, *op.cit.*, p.151.
- 9- Singh and McWhinney, *op.cit.*, p.266.
- 10- Boese, Wade, "Bush Administration Stresses Commitment to Missile Defese",  
Downloaded From : <http://www.armscontrol.org>.
- 11- Boese, Wade, "DOD Mulls Missile Defense Test Site : Plan Could Violate ABM  
Treaty", Downloaded From : <http://www.armscontrol.org>.
- 12- August 2000 Pentagon Report on NMD Technology, Downloaded From :  
<http://www.armscontrol.org>.
- 13- Singh and McWhinney, *op.cit.*, p.264.
- 14- SLBM (Submarine Lounched Ballistic Missiles)

- 15- Treaty Between the U.S.A and the U.S.S.R on the Limitation of Strategic Offensive Arms Together with Agreed Statement and Common Understandings Regarding The Treaty, Downloaded From : <http://www.State.gov>.
- 16- Singh and McWhinney, *op.cit.*, p.287.
- 17- Treaty Between the U.S.A and the U.S.S.R on the Limitation of their Intermediat Range and Shorter Range Missile, Downloaded From : <http://www.State.gov>.
- 18- Karp, R., "The Start Treaty and the Future of Strategic Nuclear Arms Control, in SIPRI Yearbook 1992 : World Armaments and Disarmament, Oxford University Press, pp.21-22.
- 19- *Ibid.*, p.26.
- 20- Nuclear Arms Reduction : The Process and Problem, Center for Arms Control, Energy and Environmental Studies at AIPI, Downloaded From : <http://www.armscontrol.org>.
- 21- Lockwood, D., "Nuclear Arms Control", in SIPRI Yearbook 1993 : World Armaments and Disarmament, Oxford University Press, pp.574-575.
- 22- *Ibid.*, pp.556-557.
- ۲۳- بر اساس پروتکل امضا شده در سال ۱۹۹۷، این مهلت تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ تمدید گردید.
- 24- *Ibid.*, p.555.
- 25- *Ibid.*, pp.557-559.
- 26- Partial Test Ban Treaty (PTBT)
- 27- Treaty Banning Nuclear Weapon Tests in the Atmosphere in Outer Space and Under Water, Downloaded From : <http://www.nuclearfiles.org>.
- 28- Lockwood, *op.cit.*, pp.561-562.
- 29- *Ibid.*, p.563.
- 30- Comprehensive Test Ban Treaty (CTBT)
- 31- G.A. Res. 50/1027, 26 Aug. 1996.
- 32- *Ibid.*, p.8.
- 33- *Ibid.*, p.19.

- 34- Arms Control and Disarmament Agreements, *op.cit.*, p.79.
- 35- Non-Proliferation Treaty (NPT)
- 36- Arms Control and Disarmament Agreements, *op.cit.*, pp.85-86.
- 37- Simson, J., "The Nuclear Non-Proliferation Regime after the NPT Review and Extension Conference", in SIPRI Yearbook 1996 : World Armaments and Disarmament International Security, Oxford University Press, 1999, p.566.
- 38- Final Document on Extension of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, International Legal Materials, n.3, 1995, pp.968-973.
- 39- S.C. Res. 984, 11 Apr. 1995.
- 40- Antarctic Treaty, Downloaded From : <http://www.nuclearfiles.org>.
- 41- G.A. Res. 2222 (XXI), 14 Dec. 1966.
- 42- Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and Other Celestial Bodies, Downloaded From : <http://www.nuclearfiles.org>.
- 43- Treaty on the Prohibition of the Emplacement of Nuclear Weapons and Other Weapons of Mass Destruction on the Seabed and the Ocean Floor and in the Subsoil thereof, Downloaded From : <http://www.nuclearfiles.org>.